



## The Concept and Realm of the Principle of Equitable and Reasonable Utilization of Shared Water Resources: From the Perspective of International Law

Seyed Ghasem Zamani 

Professor, Public International Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Pouya Berelian 

Ph. D Student, Public International Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

### Abstract


One of the important principles of international water law is the Principle of Equitable and Reasonable Utilization. According to this principle, any Watercourse State is eligible for an equitable and reasonable share in the constructive use of the shared water resource. The allocation of states' rights in using shared water resources has long been based on the multi-dimensional and complex definition of fairness. The main questions to which this research intends to answer are as follows: what is the concept and realm of the principle of equitable and reasonable utilization in the international law and procedure and how was the process of its changes? This principle, as the main basis and component of the international water law system, is considered a rule of the customary international law and is included in various international instruments. The described principle, along with other principles ruling in this field, can create a lawful system for the states and control the disputes between the states in shared water resources management. In this research, by using library and internet resources and international instruments, and using a descriptive-analytical method, the concept and realm of the principle of equitable and reasonable utilization will be studied.


**Keywords:** The Principle of Equitable and Reasonable Utilization, The Principle of No Significant Harm, The Principle of Fairness, International Water Law, Shared Water Resources.

\* Corresponding Author: zamani@atu.ac.ir

**How to Cite:** Zamani, S. Gh., Berelian, P., (2022), "The Concept and Realm of the Principle of Equitable and Reasonable Utilization of Shared Water Resources: From the Perspective of International Law", The Quarterly Journal of Public Law Research, 24(75), 9-44. Doi: 10.22054/QJPL.2021.59799.2597.

## مفهوم و قلمرو اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک از منظر حقوق بین‌الملل

سید قاسم زمانی\*  استاد حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

پویا برلیان  دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

### چکیده

یکی از اصول مهم حقوق بین‌الملل آب، اصل "بهره‌برداری معقول و منصفانه" بوده که به موجب آن هر دولتی که در حریم رودخانه واقع است مشمول سهمی معقول و منصفانه در استفاده سودمند از منابع آبی مشترک می‌باشد. در نتیجه تخصیص و تسهیم حقوق و اختیارات دولت‌های ذی‌نفع در بهره‌برداری از منابع آبی مشترک بر مبنای مفهوم چند وجهی و پیچیده انصاف صورت می‌گیرد. پرسش اصلی مقاله این است که اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک در حقوق و رویه بین‌المللی از چه مفهوم و قلمروی برخوردار می‌باشد و روند تحولات آن چگونه بوده است؟ این اصل بعنوان رکن اصلی نظام حقوق بین‌الملل آب در مقام قاعده حقوق بین‌الملل عرفی بوده و در اسناد بین‌المللی گوناگونی گنجانده شده است. اصل موصوف به همراه دیگر اصول حاکم در این حوزه قادر است با پدید آوردن سیستمی قانونمند برای دولت‌ها، روند اختلافات میان دولت‌ها در حوزه مدیریت منابع آبی مشترک را مهار و کنترل نماید. این مقاله با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی، اسناد بین‌المللی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، مفهوم و قلمرو اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه در آیین حقوق بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه، اصل انصاف، اصل منع ایراد آسیب مهم، حقوق بین‌الملل آب، منابع آبی مشترک.

## مقدمه

منابع آبی مشترک میان دولت‌ها بعنوان میراث مشترک بشریت، نیازمند برقراری نظام حقوقی مشترک مبتنی بر اصول و چارچوب منطقی و منصفانه، همراه با نهادی ناظر بر روند بهره‌برداری از منابع مذکور است. حقوق بین‌الملل آب بعنوان گرایش و شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی، مجموعه‌ای از اصول و قواعد حقوقی است که بر روابط میان دولت‌ها یا روابط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در زمینه مسائل مرتبط با منابع آب حاکم می‌باشد.<sup>۱</sup>

یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل آب، اصل "بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع" است. به موجب این اصل، هر دولتی که در حریم رودخانه واقع است مشمول سهمی معقول و منصفانه در استفاده سودمند از منابع آبی مشترک است. اصل مذکور از نظر حقوقی در مقام قاعده حقوق بین‌الملل عرفی بوده و در اسناد گوناگونی از جمله در مجموعه قواعد هلسینکی ۱۹۶۶، کنوانسیون هلسینکی ۱۹۹۲ برای حفاظت و استفاده از منابع آبی و دریاچه‌های بین‌المللی، کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به حقوق استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی و مجموعه قواعد برلین ۲۰۰۴ میلادی گنجانده شده است. این مقاله بر مفهوم‌شناسی اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه در پرتو حقوق بین‌الملل متمرکز است. در واقع پرسش‌های اصلی که مقاله به آن پاسخ می‌دهد عبارت هستند از اینکه اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک در حقوق و رویه بین‌المللی از چه مفهوم و قلمروی برخوردار می‌باشد؟ اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه، به همراه دیگر اصول حاکم در این حوزه چگونه می‌تواند با پدید آوردن سیستمی قانونمند برای دولت‌ها، روند اختلافات میان دولت‌ها در حوزه مدیریت منابع آبی مشترک را مهار و کنترل نماید؟

تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی در حوزه حقوق بین‌الملل آب و شناسایی اصول و قواعد آن (در زمینه بهره‌برداری، حفاظت و مدیریت منابع آبی) از سوی اندیشمندان حقوقی کشور به انجام رسیده است. این مقاله می‌کوشد با تبیین اصل بهره‌برداری معقول

۱. دانته آگوستو کاپونترا، اصول حقوق و مدیریت آب، ترجمه محسن عبدالهی و اصلی عباسی (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲) ص ۳۳۶.

و منصفانه بعنوان یکی از اصول حقوقی حاکم بر روند بهره‌برداری از منابع آبی مشترک، اثری را به طور مستقل به این اصل بنیادین حقوق بین‌الملل آب اختصاص دهد.

### ۱. مفهوم اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه

یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل آب، اصل "بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع طبیعی مشترک" است. اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه بعنوان بنیان و اساس حقوق بین‌الملل آب تا حدودی مبهم و انعطاف‌پذیر است که طبق آن حقوق بهره‌برداری دولت‌های ساحلی مطابق با مفاهیم انصاف، عدالت و معقول بودن با در نظر گرفتن همه شرایط مرتبط تعیین خواهد شد.<sup>۱</sup> در واقع به موجب این اصل، هر دولتی که در حریم رودخانه واقع است مشمول سهمی معقول و منصفانه در استفاده سودمند از منابع آبی مشترک است. استفاده منصفانه ناظر به تخصیص و توزیع منبع آبی مشترک و منافع آن بین دولت‌های ساحلی است. استفاده معقول اما به چگونگی استفاده از منبع آبی مشترک اشاره دارد و در واقع بیانگر این است که برای چه منظور از آب استفاده می‌شود و چه مقداری برای استفاده در شرایطی منصفانه، منطقی است.

اصل فوق از نظر حقوقی در مقام قاعده حقوق بین‌الملل عرفی بوده<sup>۲</sup> و در اسناد بین‌المللی گوناگونی گنجانده شده است. اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه مهم‌ترین ابزار به منظور اطمینان‌یابی از تحقق عدالت بین نسلی با در نظر گرفتن همه عوامل و شرایط استفاده از آبراه‌های بین‌المللی، حفاظت از محیط زیست و نیازهای توسعه اقتصادی و اجتماعی دولت‌های هم‌جوار آبراه‌ها است. این اصل علی‌رغم وجود ابهام و انعطاف، دربرگیرنده یک قاعده کلی حقوقی برای تعیین حقوق و تعهدات دولت‌ها در حوزه مدیریت منابع آبی مشترک به شمار می‌رود و در موارد متعددی در رویه قضایی بین‌المللی مورد تاکید قرار گرفته است. بعنوان مثال قاضی اختصاصی اسکوییزوسکی در نظر مخالف خود در قضیه گابچیکو-ناگیماروس (بین مجارستان و اسلواکی) به جایگاه

1. Owen McIntyre, "Utilization of Shared International Freshwater Resources – the Meaning and Role of "Equity" in International Water Law", *Water International*, Vol. 38, No. 2, (2013), at 112.

2. Dellapenna, J., "The Customary International Law of Transboundary Fresh Waters", *International Journal of Global Environmental Issues* 1(3-4), (2001) in: <https://www.internationalwaterlaw.org/bibliography/IJGEI/04ijgenv12001v1n34dellapenna.pdf>, (Last Visited: Feb. 2021).

مهم "اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه" اشاره کرده است.<sup>۱</sup> متعاقب آن در تدوین قواعد حقوق بین‌الملل آب (اعم از معاهدات بین‌المللی یا سایر اسناد بین‌المللی غیرالزام‌آور)، اصل مذکور همواره در شمار عوامل زمینه‌ساز توزیع منصفانه منابع آبی مشترک ذکر شده است که خود گویای استقرار چنین تکلیف و تعهدی دال بر مشارکت دولت‌ها در جهت مدیریت، بهره‌برداری و حفاظت پایدار و منطقی از منابع آبی مشترک در گستره حقوق بین‌الملل است. ماده ۵ کنوانسیون راجع به حقوق، استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی (۱۹۹۷) این اصل را بعنوان یکی از اصول کلی معرفی می‌کند و همچنین صراحتاً شامل اصل "مشارکت منصفانه" است. گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۴ راجع به پیش‌نویس مواد کنوانسیون ۱۹۹۷، مبین شناسایی اصل "مشارکت منصفانه" (در کنار اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه) توسط کمیسیون است:

«اقدام مشترک توسط دولت‌های ساحلی به منظور تامین حداکثر منافع برای هر یک از آن‌ها ضروری است و در عین آنکه به حفظ سهمی منصفانه در خصوص استفاده از آبراه کمک می‌کند، دستیابی به آن مستلزم همکاری تمامی دولت‌های مورد نظر از طریق مشارکت در حفاظت و توسعه آبراه است».<sup>۲</sup>

بنابراین، اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه با تعهد مبتنی بر همکاری در رابطه با بهره‌برداری، توسعه و حفاظت از آبراه‌های بین‌المللی مندرج در ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۹۷ و بالمآل اتخاذ روش موسوم به "رویکرد مدیریت مشترک"<sup>۳</sup> ارتباط نزدیک دارد. در این راستا باید گفت که نهادهای مدیریتی مشترک و ترتیبات منطقه‌ای مرتبط می‌توانند نقش بسیار مهمی در اجرای عملی این اصل داشته باشند.<sup>۴</sup> اعتماد به چنین نهادها و ترتیباتی مبین

1. Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), ICJ Reports, 1997, Dissenting Opinion Judge Skubiszewski, at. 235, para. 8.

2. Draft Articles on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, and Commentary, ILC Report on the Work of its Forty-Sixth Session, ILC Yearbook 1994/II (2), at. 97, para. 5.

3. Common Management Approach.

4. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), ICJ Reports 2010, at.14 and see: Anton Donald K., "Case Concerning Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay) (Judgment), (2010)", Aust. Int'l L.J., Vol.17, (2010), at 215-216.

وجود نظریه و رویکردی موسوم به "اشتراک منافع"<sup>۱</sup> در مدیریت منابع آبی مشترک است که آب‌های مشترک را بعنوان مالی مشترک که میان دو یا چند دولت مشترک است، در نظر گرفته و مدیریت آن نیاز به برنامه‌ریزی و توسعه منابع آبی دارد و لذا ایده مسئولیت مشترک دولت‌های مجاور مطرح می‌شود.<sup>۲</sup>

هرگونه تفسیر کارآمدی از اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه باید بر مبنای نظریه اشتراک منافع باشد.<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد چنین رویکردی از جایگاه یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی و در عین حال از پشتیبانی معاهدات بین‌المللی نیز برخوردار است.<sup>۴</sup> نظریه اشتراک منافع در آبراه‌های بین‌المللی در موارد متعددی در رویه قضایی بین‌المللی مورد توجه و استناد قرار گرفته است. در قضیه رودخانه ادر، گرچه به حقوق کشتیرانی مربوط می‌شود، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی به "اصول حاکم بر حقوق رودخانه‌های بین‌المللی" به طور کلی اشاره کرد:

«اشتراک منافع در یک رودخانه قابل کشتیرانی مبنای یک حق قانونی مشترک است که از ویژگی‌های اساسی آن برابری کامل همه دولت‌های ساحلی در استفاده از کل مسیر رودخانه و حذف هرگونه حقوق ممتاز و ترجیحی هر یک دول ساحلی در ارتباط با سایر دیگران است».<sup>۵</sup>

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکو-ناگیماروس (مجارستان علیه اسلواکی)، با استناد به این امر که اسلواکی حق مجارستان را از داشتن سهمی معقول و منصفانه از منابع طبیعی رودخانه دانوب به طور غیرقانونی سلب کرده، متن فوق را نقل قول کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری مقرر داشت:

1. Community of Interests.
2. F. Loures, "History and Development of the Community-of Interests Doctrine", In T. Tvedt, O. McIntyre, and T. Kasse Woldetsadik (eds.), A History of Water: Sovereignty and International Water Law, Vol. 2, Series 3 (London: I.B. Tauris Publishing, 2015) at 212.
3. O. McIntyre, Environmental Protection of International Watercourses under International Law (Aldershot: Ashgate, 2007) at 28.
4. I. Kaya, Equitable Utilization: The Law of the NonNavigational Uses of International Watercourses (Aldershot: Ashgate, 2003) at 205.
5. The Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder United Kingdom, Czechoslovakia, Denmark, France, Germany, Sweden v. Poland, PCIJ, Ser.A, No.23, (1929), at 27.

«توسعه حقوق بین‌الملل این اصل را برای استفاده‌های غیرکشتراخی از آبراه‌های بین‌المللی نیز تقویت کرده است؛ همانطور که در کنوانسیون ۱۹۹۷ در مورد حقوق استفاده‌های غیرکشتراخی از آبراه‌های بین‌المللی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز مشهود است»<sup>۱</sup>.

در واقع مفهوم اشتراک منافع می‌تواند نه تنها بعنوان مبانی نظری حقوق بین‌الملل آب، بلکه همچنین بعنوان اصلی که مبین وظایف عینی دولت‌های ساحلی مانند بهره‌برداری معقول و منصفانه است، تلقی گردد.<sup>۲</sup> دیوان در قضیه کارخانه خمیر کاغذ با تأکید بر نقش ساز و کار نهادهای مرتبط در اجرای الزامات و تعهدات اساسی حقوق بین‌الملل آب، بر استفاده معقول و منصفانه به عنوان یک فرآیند بین‌الدولی تأکید کرده است.<sup>۳</sup> در حقیقت دیوان در بند نهایی خود به این نکته اشاره کرد که طرفین دارای یک سنت دیرینه و موثر در همکاری و هماهنگی از طریق کمیسیون اجرایی رودخانه اروگوئه هستند که بوسیله آن "اشتراکی از منافع" را در مدیریت رودخانه اروگوئه و در حفاظت از محیط زیست آن رقم زده‌اند. بنابراین رویکرد اشتراک منافع، بهره‌برداری معقول و منصفانه را به تعهد مبتنی بر همکاری پیوند می‌دهد.<sup>۴</sup>

برای درک مفهوم "اشتراک منافع" و نقش مهم آن در تحقق اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه، باید گفت که این اصل مبتنی رویکرد "حاکمیت سرزمینی محدود" است. این رویکرد نظری را می‌توان به عنوان سازشی بین رویکردها و نظریات "حاکمیت سرزمینی مطلق" و "تمامیت ارضی مطلق" تلقی نمود که مطابق آن اختیارات حاکمیتی دولت بالادست و تمامیت ارضی مطلق دولت پایین دست آبراه با شناسایی حقوق برابر و متقابل دولت دیگر محدود می‌شود.<sup>۵</sup> به موجب نظریه حاکمیت سرزمینی محدود، حاکمیت هر یک از دولت‌های ساحلی رودخانه با توجه به تعهداتی که طبق حقوق بین‌الملل به

1. Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), ICJ Reports, (1997), para.85.

2. McCaffrey, The Law of International Watercourses, op. cit. at 152.

3. Pulp Mills on the River Uruguay Case, paras. 87-93.

4. O. McIntyre, "The World Court's Ongoing Contribution to International Water Law: The Pulp Mills Case between Argentina and Uruguay", 4(2), WA 124, (2011), at 137.

۵. ر.ک: علی نواری، «بهره‌برداری از سد ایلیسو در ترکیه و موازین حقوق بین‌الملل آب»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۶۳، (۱۳۹۸)، ص ۱۷۳.

عاهده دارند، محدود است. بعبارت دیگر، حاکمیت هر یک از دولت‌های ساحلی رودخانه محدود به وارد نکردن خسارت به دولت ساحلی دیگر است. ریشه این نظریه، برابری حاکمیتی دولت‌هاست که به موجب آن همه دولت‌هایی که از یک آبراه بین‌المللی استفاده می‌کنند "حقوقی برابر" در استفاده از آن دارند. مفهوم اشتراک منافع نمونه‌ای از "الگوی هنجاری منافع مشترک"<sup>۱</sup> در حقوق بین‌الملل است که به دنبال تنظیم منافع مشترک بین بازیگران بین‌المللی است و طبق آن مفاهیمی مانند جامعه بین‌المللی، منافع و تعهدات مشترک یا تعهدات عام‌الشمول دولت‌ها در قبال جامعه بین‌المللی مطرح می‌شود. نتیجه آن که نظریه اشتراک منافع می‌تواند مبین مسئولیت و وابستگی مشترک دولت‌ها باشد، به طوری که آن‌ها به طور فزاینده‌ای مجبور به اتخاذ تدابیر جمعی برای محافظت از منابع طبیعی مشترک شده‌اند.<sup>۲</sup>

## ۲. مفهوم و جایگاه انصاف<sup>۳</sup> در حقوق بین‌الملل آب

طبق دیدگاه دیوان بین‌المللی دادگستری، «مفهوم حقوقی انصاف، یک اصل کلی و عام است که بعنوان حقوق مستقیماً قابل اعمال است ... (دیوان) باید اصول منصفانه را بعنوان بخشی از حقوق بین‌الملل اعمال کند و با دقت به ارزیابی ملاحظات مختلفی پردازد که به نظر وی گویا و مناسب می‌آیند. به گونه‌ای که به یک نتیجه منصفانه برسد».<sup>۴</sup> با این حال نقش «انصاف» در حقوق بین‌الملل تا حدی بحث برانگیز است. در اصطلاح حقوقی بطور کلی اصل انصاف عبارت است از اصول کلی عدالت متمایز از هر سیستم خاص فلسفی حقوق یا قوانین داخلی هر کشوری.<sup>۵</sup> بند ۲ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری این اختیار را به دیوان داده است که به دعاوی مطروحه نزد خود بر اساس اصل "صلاح و صوابدید"<sup>۶</sup> یا انصاف رسیدگی و حکم صادر نماید، مشروط به این که طرفین دعوا با این

1. Common-Interest Normative Pattern.

2. See: P. Wouters and A.D. Tarlock, "The Third Wave of Normativity in Global Water Law: The Duty to Cooperate in the Peaceful Management of the World's Water Resources: An Emerging Obligation Erga Omnes?", *Journal of Water Law*, 23(2), (2013), p. 59.

3. Equity.

4. *The Continental Shelf Case, Tunisia v. Libya*, ICJ Reports, (1982), p. 60.

5. V. Lowe, "The Role of Equity in International Law", *Australian Yearbook of International Law*, 12, 54, (1992), at 54.

6. Ex aequo et bono.



امر موافق باشند. اما آنچه در بند ۲ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان ذکر شده به طور دقیق اصل انصاف نیست بلکه اصل صلاح و صوابدید است. در مجموع اصل انصاف دارای معنی و مفهومی گسترده‌تر از اصل صلاح و صوابدید است.<sup>۱</sup> در اتخاذ یک تصمیم بر مبنای اصل صلاح و صوابدید "مرجع قضایی طبق اصول غیر حقوقی عدل، اخلاق، سودمندی، تدبیر سیاسی و عقل سلیم تصمیم خواهد گرفت".<sup>۲</sup> در واقع انصاف در این چارچوب "انصاف محض و خالص" است که می‌تواند "نه تنها مطابق قواعد حقوقی، و فراتر از حقوق، بلکه در صورت لزوم، مغایر با حقوق" نیز اعمال شود.<sup>۳</sup>

در قضیه رودخانه میوز (هلند علیه بلژیک)، قاضی هادسون تبیین نمود که طبق ماده ۳۸ اساسنامه، دیوان تا حدی این اختیار را دارد تا اصل انصاف را به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل مد نظر قرار دهد<sup>۴</sup> و ماهیت اصل انصاف را روشی برای کاهش نابرابری‌ها و نه شیوه‌ای برای تغییر ماهیت قواعد حقوقی معین می‌داند.<sup>۵</sup> در حقیقت، نظر قاضی هادسون به جایگاه دیرینه اصول راهنمای انصاف<sup>۶</sup> در نظام حقوقی کامن‌لا اشاره دارد که به طور بالقوه ارتباط مستقیمی با اختلافات مربوط به منابع فرامرزی دارند.<sup>۷</sup>

1. Lowe, op.cit.

و نیز ر.ک: محمد رضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳) صص ۱۷۱-۱۷۰.

2. F. J. Berber, Rivers in International Law (London: Stevens, 1959) at 266.

3. B. Cheng, General Principles of Law as Applied by International Courts and Tribunals (London: Stevens, 1953), at 20, and see: L. F. E. Goldie, "Equity and the International Management of Transboundary Resources", in A. Utton & L. Teclaff (Eds.), Transboundary Resources Law (London: Westview Press, 1987) at 107.

4. The River Meuse case (Netherlands v. Belgium) PCIJ, at 77. and see: McIntyre, Utilization of Shared International Freshwater Resources – the Meaning and Role of "Equity" in International Water Law, op.cit, at 118.

و نیز ر.ک: محسن محبی و اعظم امینی، «اصل انصاف و ظرفیت قاعده‌سازی آن در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۱، (۱۳۹۳)، ص ۲۲.

5. Dipit Srivastava, "Article 38(1) of ICJ and Sources of International Law", available at: <http://lex-warrier.in/2014/09/article-381-icj-sources-internationallaw/>, (2014), (Last Visited: Feb.2021).

نیز ر.ک: انیسه مطیعی و مسعود البرزی، «بررسی تطبیقی اصل انصاف و اصول عدل و انصاف»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۳، (۱۳۹۷)، ص ۱۴۶.

6. Equitable Maxims.

7. The River Meuse Case, (1937), at 77.

محاکم بین‌المللی به دفعات از اصول منصفانه برای حل اختلافات مرتبط با منابع طبیعی مشترک استفاده نموده‌اند، به طور مثال قضیه فلات قاره دریای شمال (۱۹۶۳) که در آن دیوان بین‌المللی دادگستری در غیاب قواعد عرفی یا معاهده‌ای به تدوین اصول مبتنی بر انصاف در مورد تحدید حدود مناطق مجاور فلات قاره متوسل شد یا قضیه صلاحیت در امر شیلات ۱۹۷۴ (انگلستان علیه ایسلند) که در آن دیوان بین‌المللی دادگستری عناصر "یک راه حل مبتنی بر انصاف" برای حل اختلاف در مورد حقوق ماهیگیری را شرح داد و طرفین را به مذاکره بر اساس آن راهنمایی کرد.<sup>۱</sup>

### ۳. اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه در آیین اسناد بین‌المللی

در این بخش مفهوم و قلمرو اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه را در مهم‌ترین اسناد بین‌المللی ذی‌ربط، مجموعه قواعد هلسینکی (۱۹۶۶) و برلین (۲۰۰۴) و کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۳-۱. مجموعه قواعد هلسینکی ۱۹۶۶

مجموعه قواعد هلسینکی پیرامون بهره‌برداری از منابع آبی رودخانه‌های بین‌المللی توسط انجمن حقوق بین‌الملل در نشست هلسینکی در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید و گستره وسیعی از موضوعات از جمله استفاده از منابع آبی مشترک برای مقاصد کشتی‌رانی و غیرکشتی‌رانی را شامل می‌شود.<sup>۲</sup> طبق این مجموعه همه دولت‌های واقع در مسیر رودخانه نسبت به بهره‌برداری از منابع آبی مشترک حق برابر دارند و هیچ دولتی حق استفاده از آب رودخانه را در صورتی که موجب ایجاد خسارت به سایر دولت‌های ساحلی رودخانه می‌شود، ندارد. افزون بر این اگر دولتی بدون اطلاع و عدم تحصیل رضایت دولت‌های ساحلی دیگر مسیر رودخانه‌های بین‌المللی را به زیان دولتی دیگر تغییر دهد، مسئول کلیه اقدامات صورت گرفته بوده و اقدامات یک‌جانبه مذکور هیچ‌گونه حقی برای دولت

1. See: L. D. M. Nelson, "The Role of Equity in the Delimitation of Maritime Boundaries", *American Journal of International Law*, 84, (1990), P. 837,

2. Dellapenna, *op.cit.* (2001), at 273.

موصوف ایجاد نمی‌نماید. ماده ۴ قواعد هلسینکی در مورد بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی بیان می‌دارد:

«هر یک از دولت‌های ساحلی در قلمرو خود محق است تا از سهمی معقول و منصفانه در بهره‌برداری و مصارف سودمند از آب‌های یک حوضه آبریز بین‌المللی برخوردار گردد». این ماده با بند دوم ماده ۵ تکمیل می‌شود که عوامل تعیین‌کننده سهم معقول و منصفانه را مقرر می‌دارد. طبق بند سوم نیز «ارزشی که به هر عامل داده می‌شود با توجه به اهمیت آن در مقایسه با سایر عوامل مرتبط تعیین می‌شود. برای تعیین اینکه سهم معقول و منصفانه چیست، همه عوامل مربوطه باید با هم در نظر گرفته شوند و نتیجه‌گیری بر اساس تمامی عوامل انجام شود».

بنابراین با ارزیابی مواد ۴ و ۵ ملاحظه می‌شود که گرچه تعریف واحدی از مفهوم "سهم معقول و منصفانه" در مجموعه قواعد هلسینکی ارائه نشده، با این حال ارزیابی آن بر اساس تعدادی از عوامل انجام می‌شود. قواعد هلسینکی بر دو عنصر مهم: ۱- تاکید بر حق برابری همه دولت‌های ساحلی در بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی و ۲- اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه بنا شده است. اصل اساسی دیگری در حقوق بین‌الملل آب، اصل منع ایراد آسیب مهم با عنوان «رفع نیازهای هر یک از دولت‌های مذکور، بدون ایراد آسیب اساسی به دیگر دولت‌های مشترک در حوضه آبریز» به صورت غیرمستقیم و بعنوان یکی از ۱۱ عوامل مذکور در بند ۲ ماده ۵ مطرح شده و آسیب‌هایی را که ممکن است از استفاده یکجانبه دولت ساحلی از آبراه ایجاد شود بعنوان یک عامل مهم در بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک در نظر گرفته است. در واقع قواعد هلسینکی صرفاً به لزوم عدم ایراد آسیب به شاخص‌ها و عناصر بهره‌برداری معقول و منصفانه اشاره دارد.<sup>۱</sup> کنوانسیون ۱۹۹۷ اما برخلاف رویکرد قواعد هلسینکی، ماده جداگانه‌ای را به اصل منع ایراد آسیب مهم اختصاص داده است.

---

۱. فریده آوریده، جلال عطاری و محسن عبداللهی، «مطالعه تطبیقی اصول و قواعد بین‌المللی حاکم بر تقسیم آب در رودخانه‌های فرامرزی»، فصلنامه علوم محیطی، شماره ۲، (۱۳۹۵)، ص ۸۵ و نیز ر.ک: فریده محمدعلیپور، حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی؛ مطالعه موردی رودخانه‌های مرزی و مشترک ایران (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۶).

باید در نظر گرفت که بنا به مواد ۴ و ۵ قواعد مذکور، "گستره و میزان بهره‌برداری" برای هر دولت ساحلی "برابر" نخواهد بود بلکه بهره‌برداری منصفانه برای حوضه‌های مختلف آبریز با توجه به ماده ۵ قواعد هلسینکی، ماده ۶ کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به حقوق استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی و نیز شرایط خاص حاکم در هر حوضه تعیین خواهد شد. مطابق تفسیر ماده ۴ قواعد هلسینکی، بهره‌برداری معقول و منصفانه باید حداکثر منافع و مزایا و حداقل زیان را برای دولت‌های ذی‌ربط به همراه باشد. در واقع این نوع از بهره‌برداری باید از نظر اقتصادی یا اجتماعی مفید و سودمند باشد. لزوماً نیز استفاده‌های اقتصادی رجحان نخواهند داشت بلکه با توجه به شرایط اقتصادی دولت ذیربط، ممکن است استفاده اجتماعی بر مزایای اقتصادی رجحان یابد.<sup>۱</sup> تامین این منافع و مزایا برای دولت‌های ساحلی، تجلی‌بخش صفت "معقول" در بهره‌برداری از منابع آبی مشترک است که افزون بر تسهیم و استفاده منصفانه باید لحاظ گردد. در عین حال فعالیت‌های معقول نباید بر استفاده منصفانه رجحان یابد. در همین ارتباط است که در بند ۲ ماده ۵ مجموعه قواعد تاکید شده است که: «میزان رفع نیازهای هر یک از دولت‌های مذکور، بدون ایراد آسیب اساسی به دیگر دولت‌های مشترک در حوضه آبریز» خواهد بود. لذا در این مورد اولویت با استفاده منصفانه است.

## ۲-۳. مجموعه قواعد برلین ۲۰۰۴

تاکید بر اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه از نکات حائز اهمیت این مجموعه می‌باشد و ارتباط آن با دیگر اصول کلی حاکم بر حقوق بین‌الملل آب و از جمله اصل منع ایراد آسیب مهم را مورد توجه قرار داده است.<sup>۲</sup> مسائل مربوط به حفاظت از محیط زیست آبی، حق بشری دسترسی به منابع آبی کافی و سالم، استفاده کشتیرانی، همکاری‌های

۱. علی مشهدی و نرگس اکبری، «تعهدات دولت‌های حوضچه هریرود در احداث تاسیسات آبی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۳، (۱۳۹۹)، ص ۳۲۵.

۲. مجتبی بابایی و حسن بابایی، رژیم حقوقی بین‌المللی حاکم بر بهره‌برداری از سفره‌های زیر زمینی آب مشترک میان دولت‌ها، با تاکید بر طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۸ (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۴) ص ۷۶ و نیز ر.ک:

Antti Belinskij, "Water-Energy-Food Nexus within the Framework of International Water Law", *Journal Water*, 7(10), (2015), at 5042.

بین‌المللی، تبادل اطلاعات و برنامه‌ها، اطلاع‌رسانی دقیق، مدیریت مشترک حوضه‌های آبریز و بررسی هزینه‌های مشترک در ارتباط با مدیریت منابع آبی میان دولت‌های ساحلی از موارد تصریح شده در قواعد برلین است.<sup>۱</sup>

هرچند اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه ابتدا در قواعد هلسینکی و دیگر اسناد بین‌المللی مرتبط مورد بحث و توجه بوده لیکن تاکید قواعد برلین بر "التزام مدیریت منابع آبی مشترک به گونه معقول و منصفانه" و "التزام به منع ایراد آسیب مهم"، از این منظر قابل توجه است که این قواعد با مشروط نمودن اصول کلی حاکم بر حقوق بین‌الملل آب به یکدیگر، اهمیت آن‌ها را برابر در نظر می‌گیرد، لذا می‌توان مدعی شد که رویکرد قواعد فوق با مجموعه قواعد هلسینکی متفاوت است. زیرا مجموعه قواعد اخیر بهره‌برداری معقول و منصفانه را قاعده اصلی حقوق بین‌الملل آب قلمداد کرده و همسو با دیدگاه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکوو-ناگیماروس<sup>۲</sup> است که اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه به مثابه اصل راهنمای حقوق بین‌الملل آب مطرح شده است در حالی که رویکرد قواعد برلین مبتنی بر برابری تمامی اصول کلی حاکم در این حوزه است.<sup>۳</sup> همچنین قواعد برلین منوط به منع ایراد آسیب مهم به سایر دولت‌های ساحلی است، در حالی که در قواعد هلسینکی این اصل صرفاً بعنوان شاخصی مهم از عوامل بهره‌برداری معقول و منصفانه در نظر گرفته شده است. ماده ۱۲ قواعد برلین تحت عنوان بهره‌برداری منصفانه اظهار می‌دارد که دولت‌های ساحلی باید در قلمرو خود، آب‌های حوضه بین‌المللی را به شیوه‌ای معقول و منصفانه با در نظر داشتن توجه لازم و التزام به منع ایراد آسیب مهم به سایر دولت‌های ساحلی مدیریت کند. این ماده در واقع همان ماده ۴

1. International Law Association Berlin Conference, (2004), Water Resources Law, available at: [http://www.cawater-info.net/library/eng/1/berlin\\_rules.pdf](http://www.cawater-info.net/library/eng/1/berlin_rules.pdf) (Last Visited: Feb.2021).

2. See: Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v Slovakia), ICJ Reports, 1997.

۳. بایابی، همان، ص ۷۷. و ر. ک:

Owen McIntyre, Environmental Protection of International Watercourses under International Law (Ashgate Publishing Company, 2007) at 220.

قواعد هلسینکی و ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۹۷ است با این تفاوت که در این ماده عبارت التزام به منع ایراد آسیب مهم اضافه شده است.<sup>۱</sup> همچون دیگر قطعنامه‌های انجمن حقوق بین‌الملل مجموعه قواعد هلسینکی و برلین به لحاظ شکلی از جایگاه رسمی و قدرت الزام‌آوری برخوردار نیستند اما تا پیش از لازم الاجرا شدن کنوانسیون ۱۹۹۷ بعنوان موثرترین مجموعه قواعد تنظیم‌کننده بهره‌برداری و حمایت از آبراه‌های بین‌المللی شناخته می‌شدند و بعنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش جامعه بین‌المللی قرار گرفتند.<sup>۲</sup>

### ۳-۳. کنوانسیون ۱۹۹۷ راجع به حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های

#### بین‌المللی

کنوانسیون فوق که از آگست ۲۰۱۴ میلادی لازم‌الاجرا شد، نخستین سند بین‌المللی الزام‌آور در ارتباط با استفاده و دیگر فعالیت‌های مربوط به آبراه‌های بین‌المللی است.<sup>۳</sup> کنوانسیون ۱۹۹۷ بر اساس پیش‌نویس موادی است که طی ۲۳ سال مطالعه موضوع توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تهیه شده است. در این میان عملکرد سه گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد موضوع، استفان شوبل<sup>۴</sup>، جنس اونسن<sup>۵</sup> و بویژه استفان سی. مک کافری<sup>۶</sup> از اهمیت بسزایی برخوردار هستند که در ادامه بحث به تلاش‌ها و تحلیل‌های علمی پروفیسور مک کافری اشاره خواهد شد. در سال ۱۹۸۱ گزارشگر ویژه، استفان شوبل، در گزارش سوم خود اولین مجموعه کامل از پیش‌نویس مواد در مورد حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی را ارائه کرد. پیش‌نویس مواد

1. International Law Association Berlin Conference (2004) Water Resources Law, available at: [http://www.cawater-info.net/library/eng/l/berlin\\_rules.pdf](http://www.cawater-info.net/library/eng/l/berlin_rules.pdf) (Last Visited: Feb. 2021).

و نیز ر.ک: آوریده، عطاری و عبداللهی، همان، ص ۹۰.

2. See: Patricia Wouters, International Water Law Selected Writings of Professor Charles B. Bourne International and National Water Law and Policy Series (New York: Springer, 1998).

3. A. Tanzi, op.cit., [http://www.qil-qdi.org/wp-content/uploads/2014/10/03\\_Watercourses\\_ATTILA\\_DEF\\_2.pdf](http://www.qil-qdi.org/wp-content/uploads/2014/10/03_Watercourses_ATTILA_DEF_2.pdf) (Last Visited: Feb. 2021).

4. Stephen Schwebel.

5. Jens Evensen.

6. Stephen C McCaffrey.

۱۹۸۱ از کلمه معقول برای توصیف بهره‌برداری از یک آبراه بین‌المللی استفاده نکرده بود.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۴، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، جنس اونسن، مجموعه‌ای اصلاح شده از پیش‌نویس مواد را تهیه کرد. پیش‌نویس ماده ۶ اونسن شامل معقولیت بعنوان معیار سهم یک دولت از یک آبراه بین‌المللی است و از این نظر شبیه ماده ۴ قواعد هلسینکی است.<sup>۲</sup> استفان سی. مک کافری گزارشگر ویژه در دومین گزارش خود در سال ۱۹۸۶ در مورد پیش‌نویس مواد شویل و اونسن اظهار نظر کرد. وی با اشاره به تغییر مفهوم "منابع طبیعی مشترک" که توسط اولین گزارشگر ویژه ریچارد دی‌کرنی<sup>۳</sup> ارائه و توسط شویل توسعه یافت، به ادبیات پیش‌نویس‌های قبلی که مبتنی بر "تسهیم در استفاده از آب به روشی معقول و منصفانه" است تأکید نمود.<sup>۴</sup> مستند اصول مندرج در پیش‌نویس مواد گزارش مک کافری مشتمل بر بحث و بررسی گسترده اسناد و معاهدات بین‌المللی، مواضع دیپلمات‌ها در مذاکرات، رویه دولت‌ها، آرای قضایی و داوری بین‌المللی، تصمیمات دادگاه‌های ملی و دیدگاه‌های اندیشمندان حقوق بین‌الملل است.

کنوانسیون ۱۹۹۷ به دلیل تدوین اصول و قواعد عرفی حقوق بین‌الملل آب حائز اهمیت است و هدف آن، اطمینان یافتن از نوع بهره‌برداری، توسعه، حفاظت، مدیریت صحیح و نگهداری از آبراه‌های بین‌المللی و تشویق بهره‌برداری پایدار در جهت نگهداری از منابع آبی برای نسل‌های حاضر و آینده ایجاد شده است.<sup>۵</sup> مشابه با قواعد هلسینکی، کنوانسیون، اصول همکاری و مذاکره با قصد واقعی جهت دستیابی به توافق و بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک را به رسمیت شناخته است و طبق ماده ۵ کنوانسیون، کشورها بدان متعهد شده‌اند. ماده ۵ مقرر می‌دارد:

1. Special Rapporteur, Third Report on the Law of Non-Navigational Uses of International Watercourses, Int'l Law Comm'n, U.N. Doc. A/CN.4/348(Dec.11, 1981) (by Stephen Schwebel).
2. Special Rapporteur, Second Report on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, Int'l Law Comm'n, U.N. Doc. A/CN.4/341(April.24, 1984) (by Jens Evensen).
3. Richard D. Kearny.
4. Special Rapporteur, Second Report on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, Int'l Law Comm'n, U.N. Doc. A/CN.4/399 (May 21, 1986) (by Stephen C. McCaffrey).
5. Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses 1997, available at: [http:// legal. un. org/ ilc/ texts/ instruments/ english/conventions/8\\_3\\_1997.pdf](http://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/conventions/8_3_1997.pdf) (Last Visited Feb. 2021).

۱- دولت‌های حوضه آبراه باید از آبراه بین‌المللی واقع در قلمرو خود به روشی معقول و منصفانه بهره‌برداری کنند. بطور خاص، یک آبراه بین‌المللی توسط دولت‌های حوضه آبراه با هدف بهره‌برداری بهینه و پایدار از و منافع حاصل از آن با در نظر گرفتن منافع دولت‌های حوضه مورد نظر، مطابق با محافظت کافی از آبراه، مورد استفاده و توسعه قرار خواهد گرفت.

۲- دولت‌های آبراه به شیوه‌ای معقول و منصفانه در بهره‌برداری، توسعه و محافظت از یک آبراه بین‌المللی مشارکت خواهند داشت. این مشارکت شامل حق بهره‌برداری از آبراه و همچنین وظیفه همکاری در محافظت و توسعه آن می‌شود، همانطور که در کنوانسیون حاضر قید شده است.

هر آبراهی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که نیاز به راه‌حل‌های جداگانه دارد. با این حال اصل تعیین کننده برای مدیریت هر شرایطی، بهره‌برداری معقول و منصفانه است که شامل انصاف، عقلانیت، بی‌طرفی، عدالت، برابری و سایر عناصر مهم پایداری است. معیارها و شاخص‌های بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک در ماده ۶ کنوانسیون تشریح گردیده است.

استفان مک کافری، بهره‌برداری معقول و منصفانه را به شرح زیر توصیف می‌کند: «به مجرد تصمیمات دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در قضایای تقسیم منابع آبی بین ایالات از اوایل قرن بیستم و با حمایت از تصمیمات سایر ایالت‌های فدرال، اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه از آبراه‌های بین‌المللی بعنوان اصل اساسی حاکم بر مجموعه قواعد هلسینکی ۱۹۶۶ مورد تاکید قرار گرفت. این اصل بعنوان قاعده اساسی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گاپچیکوو-ناگیماروس نیز تأیید شده است ... به نظر می‌رسد کنوانسیون ۱۹۹۷ نیز بهره‌برداری معقول و منصفانه را بعنوان اصل اساسی حاکم بر بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی آب تلقی می‌کند»<sup>۱</sup>.

پیش‌نویس ماده ۵ کمیسیون حقوق بین‌الملل که به مجمع عمومی در سال ۱۹۹۴ گزارش شد، با پیش‌نویس ماده ۵ مک کافری یکسان است. جمله نخست پاراگراف اول پیش‌نویس ماده ۵، استاندارد را برای استفاده از آبراه در قیاس با سایر دولت‌های ساحلی

1. Stephen McCaffrey, *The Law of International Watercourses* (Oxford University Press, 2nd Edition, 2007) at 384-385.



تعیین می‌کند. این استاندارد شامل مفاهیمی از ماده ۷ پیش‌نویس ۱۹۸۴ اونسن است که بیان می‌کند «آب‌های یک آبراه بین‌المللی باید به شکلی معقول و منصفانه توسط دول‌های حوزه آبراه توسعه، استفاده و تقسیم شود».<sup>۱</sup> مشابه پیش‌نویس‌های تهیه شده توسط گزارشگران ویژه قبلی، پیش‌نویس مک‌کافری شامل فهرستی غیر انحصاری از عوامل تعیین‌کننده استفاده معقول و منصفانه است.

### ۱-۳-۳. مناسبات میان اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه و نظریه مدیریت مشترک

به منظور ترویج تعادل معقول و منصفانه منافع دولت‌های ساحلی، نظریه مدیریت مشترک شکل گرفته است. این امر نه تنها به عنوان رویکرد جدید و متفاوت در مدیریت منابع آب در نظر گرفته شد بلکه وسیله‌ای برای احیای مجدد اصل حاکمیت سرزمینی محدود شد و تکلیف صریحی بر مشارکت فعالانه در توسعه و بهره‌برداری منطقی از منابع مشترک آب مقرر کرد.<sup>۲</sup> این نظریه حکایت از آن دارد که «کلیه دولت‌های ساحلی آبراه بین‌المللی نسبت به آن رودخانه حق حاکمیت مشترک دارند و رودخانه بین‌المللی، واحد اقتصادی محسوب می‌شود که منابع آن متعلق به تمام دولت‌های ساحلی است».<sup>۳</sup> این مدیریت مشترک که مورد تأیید جامعه بین‌المللی است، می‌تواند از طریق توافق و انعقاد معاهده‌ای میان دولت‌های ساحلی ایجاد شود. در همین راستا بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون ۱۹۹۷ صراحتاً شامل اصل «مشارکت منصفانه» است. اصل مشارکت منصفانه مکمل اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه بوده و پیوند نزدیکی با این اصل دارد.<sup>۴</sup> این پیوند و انطباق را می‌توان توسعه آشکار یک اصل حقوقی در راستای ارزیابی مشخصه‌های فیزیکی آب، مطالبات حاکمیتی، مفهوم منابع طبیعی مشترک و رویکرد اشتراک منافع قلمداد نمود.<sup>۵</sup> مشارکت منصفانه بعنوان قاعده انعطاف‌پذیری که بر اساس عوامل وابسته به شرایط خاص هر مورد،

1. Special Rapporteur, Second Report on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, Int'l Law Comm'n, U.N. Doc. A/CN.4/381 (April.24, 1984) (by Jens Evensen).

۲. اکبری و مشهدی، همان، ص ۳۲۲.

۳. همان.

4. McCaffrey, op.cit., at 99.

۵. ر.ک: آگوستو کاپونرا، همان، ص ۳۹۲.

زمینه را برای استقرار عدالت و انصاف فراهم می‌کند؛ تحقق بخش توسعه، بهره‌برداری و حفاظت معقول و منصفانه‌تر از منابع آبی مشترک است. این اصل در ابتدا توسط محاکم کشورهای فدرال ایجاد و توسعه یافت.<sup>۱</sup> گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۴ راجع به پیش‌نویس مواد کنوانسیون ۱۹۹۷ مبین شناسایی اصل "مشارکت منصفانه" (در کنار اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه) توسط کمیسیون است:

«اقدام مشترک توسط دولت‌های ساحلی به منظور تامین حداکثر منافع برای هر یک از آنها ضروری است و در عین آنکه به حفظ سهمی منصفانه در خصوص استفاده از آبراه کمک می‌کند، دستیابی به آن مستلزم همکاری تمامی دولت‌های مورد نظر از طریق مشارکت در حفاظت و توسعه آبراه است».<sup>۲</sup>

کنوانسیون ۱۹۹۷ هم اشتراک‌گذاری معقول و منصفانه و هم بهره‌برداری معقول و منصفانه را لازم می‌داند. بر همین اساس ماده ۵ بر مفهوم مشارکت منصفانه تاکید می‌کند. عبارت دیگر به منظور تحقق "بهره‌برداری معقول و منصفانه"، دولت‌های ساحلی باید با برداشتن گام‌هایی مثبت بصورت فردی یا مشترک در رابطه با آبراه با یکدیگر همکاری نمایند. در واقع کنوانسیون مفهوم مشارکت منصفانه را در کنار اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه می‌افزاید و لازم می‌داند همه دولت‌های ساحلی در راستای رویه‌ای که بهره‌برداری موثر و مبتنی بر تعامل از آبراه‌ها را بهبود می‌بخشد، عمل کنند.

تردید وجود ندارد که دولت‌های ساحلی این حق را دارند از آب‌های یک آبراه بین‌المللی واقع در سرزمین خود استفاده کنند. این حق یکی از ویژگی‌های حاکمیت بحساب می‌آید و هر دولتی که آبراهی در سرزمینش یا مرزهای آن قرار دارد از آن متمتع می‌شود. اصل برابری حاکمیتی دولت‌ها منجر به این می‌شود که تمامی دولت‌های واقع در مسیر آبراه، حق استفاده برابر به لحاظ کیفی و تعامل گرایانه با دیگر دولت‌های ساحلی از آن آبراه را داشته باشند.<sup>۳</sup> با این حال "برابری حقوقی" بدین معنا نیست هر دولتی که در مسیر آبراه قرار دارد، حق دارد "سهم برابری" را در استفاده و بهره‌مندی از مزایای آبراه

۱. همان.

2. Draft Articles on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, and Commentary, ILC Report on the Work of its Forty-Sixth Session, ILC Yearbook 1994/II (2), at 97, para. 5.

3. Report of the International Law Commission (ILC) on the Work of its Forty-Sixth Session. UN Doc. A/49/10, (1994), at 98.

به خود اختصاص دهد و همچنین این معنی را القا نمی‌کند که منبع آبی مشترک به "بخش‌هایی برابر" تقسیم شده است بلکه هر دولت واقع در مسیر آبراه به "شیوه‌ای منصفانه"، مستحق استفاده و بهره‌مندی از مزایای آبراه می‌باشد. قلمروی حق بهره‌برداری منصفانه هر دولت، همانطور که در ماده ۶ کنوانسیون مقرر شده به حقایق و اوضاع و احوال هر مورد و به طور خاص مجموعه‌ای از عوامل مرتبط بستگی دارد.<sup>۱</sup>

## ۲-۳-۳. مناسبات متقابل اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه و اصل منع ایراد

### آسیب مهم

اصل منع ایراد آسیب مهم یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل آب است. این اصل در بسیاری از اسناد مربوط به حقوق بین‌الملل آب از جنبه‌های گوناگون مدنظر قرار گرفته است. به لحاظ تاریخی، اصل منع ایراد آسیب تحت عنوان ( *Sic utere tuo alienum non laedas*) شناخته شده و مبنی بر ممنوعیت آسیب و ورود ضرر به دیگری است. این اصل انعکاسی از برابری حاکمیتی دولت‌ها به شمار می‌رود<sup>۲</sup> و بعنوان قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است.<sup>۳</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده کارخانه خمیر کاغذ، این اصل را بعنوان مبنای سایر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مانند اصل ارزیابی آثار زیست‌محیطی فرامرزی و اصل پیشگیری در نظر گرفت.<sup>۴</sup> اصل منع ایراد آسیب مهم ریشه در «نظریه حاکمیت سرزمینی محدود» داشته که طبق آن دولت‌های ساحلی از حق

1. Ibid, at 98.

2. Report of the International Law Commission on the Work of its Fortieth Session (9 May-29 July 1988), Extract from the Yearbook of the International Law Commission, (1988), Vol. 11(2), at 35.

3. McCaffrey, op.cit. at 4 1 5 - 4 1 6 and Mohammed S. Helal, "Sharing Blue Gold: the 1997 UN Convention on the Law of the NonNavigational Uses of International Watercourses Ten Years on", *Colo. J. Int'l Environmental, Law & Pol'y*, Vol. 18: 2, (2007), at 356.

4. *Pulp Mills on the River Uruguay Case*, para.101& 204. and See, McIntyre, "The Contribution of Procedural Rules to the Environmental Protection of Transboundary Rivers in Light of Recent ICJ Case Law", in L. Boisson de Chazournes, C. Leb, and M. Tignino (eds.), *International Law and Freshwater: The Multiple Challenges* (Cheltenham: Edward Elgar, 2013) at 260.

یکسانی برای استفاده از آبراه مشترک برخوردارند ولی باید به حاکمیت دیگر دولت‌ها و حقوق برابر آن‌ها برای استفاده از آبراه نیز احترام بگذارند.<sup>۱</sup>

این اصل دولت‌های ساحلی را متعهد می‌کند که در زمان بهره‌برداری از آبراه بین‌المللی، تمامی "اقدامات مقتضی" برای جلوگیری از ایراد آسیب‌های مهم به دیگر دولت‌های ساحلی را بکار گیرند. مطابق کنوانسیون ۱۹۹۷ زمانی که آسیب مهمی به دولت دیگری که در مجاورت آبراه قرار دارد وارد می‌شود، دولتی که مسبب ایراد آسیب بوده باید با توجه به عوامل مختلف و مشورت و مذاکره با دولت زیان‌دیده، تمامی اقدامات مقتضی برای برطرف نمودن و کاهش این آسیب و ضرر را بعمل آورد و در صورت لزوم در مورد پرداخت خسارت با دولت مذکور مذاکره نماید. تاکید بر جلوگیری مهم بوده و از آنجا که اغلب متوقف کردن یا اصلاح فعالیتی که زمانی آن را آغاز کرده‌اند دشوار بوده و می‌تواند بسیار پیچیده و گران قیمت باشد لذا اگر این امکان وجود داشته باشد می‌توان برای جبران آسیب، غرامت پرداخت کرد. پروفیسور مک کافری معتقد است که: «آسیب ممکن است به شکل کاهش مقدار آب باشد مانند اقدامات بالادست جدید یا پمپاژ بیش از حد سفره‌های آب زیرزمینی، مهاجرت بی‌رویه، تداخل در جریان آب، ایجاد آثار منفی بر اکوسیستم ساحلی، ساخت و بهره‌برداری از سد و سایر اقدامات دولت ساحلی که اثرات سوئی نسبت به دولت ساحلی دیگر دارند و پایدار می‌مانند».<sup>۲</sup>

در این میان تبادل منظم یافته‌ها و اطلاعات و همچنین مشورت در راستای اعمال دو اصل موصوف، یاری‌رسان خواهند بود. علاوه بر این، تعهد به همکاری و لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، دولت‌های ساحلی را تشویق می‌کند که تمامی اختلافات خود بر سر بهره‌برداری از منابع آبی مشترک را با توافق حل کنند.<sup>۳</sup> شایان ذکر آنکه دولت‌های پایین‌دست، نفع بیشتری از اعمال اصل منع ایراد آسیب مهم می‌برند زیرا این اصل از بهره‌برداری آنان در مقابل آثار ناشی از فعالیت‌های انجام شده توسط دولت‌های بالادست حفاظت می‌نماید. از طرف دیگر دولت‌های بالادست هم از اعمال اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه سود می‌برند زیرا قلمروی وسیع‌تری را برای آنان به منظور بهره‌مندی از آبراه فراهم می‌نماید.

۱. نواری، همان، ص ۱۷۳.

2. McCaffrey, op.cit., at 348-349

3. Ibid., at.

طبق گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۸۳: «ضروری به نظر می‌رسد که بر تعهد دولت‌ها به اجتناب از بهره‌برداری و عملیاتی که ممکن است آسیب مهم و قابل توجهی را به حقوق یا منافع دیگر دولت‌ها برساند تاکید کنیم. مواد ۵ و ۷ پیش‌نویس در مجموع یک استاندارد هنجاری را پدید می‌آورند: بهره‌برداری معقول و منصفانه نباید موجب ایراد آسیب مهم شود».<sup>۱</sup> همچنین طبق گزارش کمیسیون حقوق بین‌الملل (سال ۱۹۸۳) «وقتی هر دولت ساحلی سهم منصفانه‌اش از بهره‌برداری از آبراه را دریافت کند، در صورتی که آسیبی به سهم دیگران وارد نکند، اختیار حاکمیتی برای استفاده از آن سهم را دارد».<sup>۲</sup> در گزارش کمیسیون در سال ۱۹۸۶ پیرامون مناسبات میان اصل منع ایراد آسیب مهم و اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه چنین آمده است «استفاده از یک آبراه بین‌المللی اگر منجر به آسیب جدی و مهم شود، مشروع و قابل قبول نخواهد بود».<sup>۳</sup> هدف یک سهم معقول و منصفانه، افزایش حداکثری مزایا و در عین حال به حداقل رساندن ضرر برای دولت‌های ذی‌ربط است.

تعیین نوع مناسبات دو اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه و منع ایراد آسیب مهم، مباحث مهمی را در کمیسیون حقوق بین‌الملل رقم زد. دستیابی به یک دیدگاه و جمع‌بندی مشخص در مورد اینکه کدامیک از این دو اصل (بهره‌برداری معقول و منصفانه و منع ایراد آسیب مهم) از اولویت برخوردار هستند، از جمله مسائلی بود که کمیسیون حقوق بین‌الملل طی ۲۳ سال مطالعه و بحث، تجربه نمود. هر یک از گزارش‌دهندگان ویژه به شیوه‌ای متفاوت به این موضوع پرداخته، بدین نحو که یا دو اصل را مکمل هم می‌دانستند و یا یکی را تابع دیگری فرض می‌کرده‌اند، برخی نیز اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه را یک اصل حقوقی جدید قلمداد می‌کردند که به صورت مستقل، قابلیت اعمال و اجرا دارد و در کنار آن، اصل منع ایراد آسیب مهم بر قلمرو سرزمینی دولت دیگر، یک اصل سنتی در حقوق بین‌الملل است و رابطه‌ای میان این دو اصل وجود ندارد.<sup>۴</sup> این مسئله و

1. Report of the International Law Commission on the Work of its Thirty-Fifth Session (3 May 22 July 1983), Document A/38/10, par. 246. At 72.

2. Report of the International Law Commission on the Work of its Thirty-Sixth Session (7 May 27 July 1984), Document A/39/10, par. 316.

3. Report of the International Law Commission on the Work of its Thirty-Eighth Session (5 May - 11 July 1986), Document A/41/10, Par. 240.

۴. ر.ک: اکبری و مشهدی، همان، ص ۳۱۷.

دیدگاه‌های متفاوت دولت‌های ساحلی در کمیته ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد (کمیته حقوقی) مورد بحث قرار گرفت.<sup>۱</sup>

دولت‌های پایین دست، گروه‌ها و انجمن‌های زیست‌محیطی بر اولویت اصل منع ایراد آسیب مهم فرامرزی تاکید داشتند و دولت‌های بالادست از اولویت اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه حمایت می‌کردند. از سوی دیگر بانک جهانی که باید اصول حاکم بر حقوق بین‌الملل را در پروژه‌های تامین مالی خود دنبال کند، اهمیت استفاده منصفانه را در تئوری به رسمیت می‌شناسد اما در عمل به علت سادگی اجرا، منع ایراد آسیب مهم را مد نظر قرار می‌دهد و پروژه‌ای که باعث ایراد آسیب شود را بدون تصویب تمام دولت‌های ساحلی تامین مالی نمی‌کند.<sup>۲</sup>

همان‌گونه که پیشتر ذکر شد در صورتی که در چارچوب استفاده معقول، آسیب‌های جدی و مهمی به پایین دست وارد آید، این آسیب‌ها مشروع تلقی نمی‌شود و دولت ساحلی نباید فعالیت‌های معقولش بیش از حق استفاده منصفانه‌اش باشد. اصل بهره‌برداری منصفانه، مشروعیت بهره‌برداری و استفاده را به واسطه ایجاد تعادل بین همه عوامل مربوط به آبراه و معقول و منصفانه بودن آن میسر می‌داند. اصل منع ایراد آسیب مهم از استفاده‌هایی که منجر به ایراد آسیب مهم به دولتی دیگر در روند بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی می‌شود جلوگیری می‌نماید. در واقع با اینکه اصل اول ممکن است در صورت تحقق همه شرایط، ایراد آسیب جزئی را مجاز بداند اما اصل منع ایراد آسیب مهم، اجازه بهره‌برداری غیرمعقول و غیر منصفانه را در هیچ شرایطی نمی‌دهد.<sup>۳</sup>

کنوانسیون ۱۹۹۷، اصول اساسی حقوق بین‌الملل آب را بدون ارائه هیچ نشانه‌ای مبنی بر تفوق یکی بر دیگری با هم ادغام می‌کند اما تفاسیر و پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون کنوانسیون، رویکردهای گوناگونی داشته‌اند. این گرایش همواره مطرح بوده

1. Salman M.A. Salman, "Downstream Riparians Can Also Harm Upstream Riparians: The Concept of Foreclosure of Future Uses", *Water International*, Vol. 35, No. 4, (2010), at 354.

۲. علیرضا شولی، جبار وطن فدا و فریبا آوریده، «بررسی نظریه‌های حقوقی و مقررات تقسیم آب در قوانین و معاهدات بین‌المللی آب‌های مرزی»، فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی، شماره ۲، (۱۳۹۴)، ص ۱۳۶.

3. Patricia K. Wouters, "An Assessment of Recent Developments in International Watercourse Law Through the Prism of the Substantive Rules Governing Use Allocation", *International Watercourse Law*, Vol. 36, (1996), at 420.

است که در مجموع اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه بر اصل منع ایراد آسیب مهم اولویت دارد. در تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل مقرر شده: «این موضوع که روند استفاده و بهره‌برداری آسیب مهمی را به دنبال داشته باشد، فی‌نفسه، مبنایی برای جلوگیری از آن فعالیت به‌شمار نمی‌آید. در اوضاع و احوالی خاص، ممکن است بهره‌برداری معقول و منصفانه از یک آبراه بین‌المللی موجب ایراد آسیب مهم به دولتی دیگر در مسیر آبراه گردد، در این موارد، اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه بعنوان معیار راهنما در ایجاد تعادل بین منافع در خطر قرار گرفته عمل می‌کند»<sup>۱</sup>.

بدیهی است که تضمینی مبنی بر عدم ایراد ضرر و آسیب در روند بهره‌برداری معقول و منصفانه از یک آبراه بین‌المللی وجود ندارد. وقتی که استفاده‌ای معین، "معقول و منصفانه" ارزیابی شد به طور ضمنی حاکی از این امر است که همه تلاش‌ها برای عدم ایراد آسیب مهم به سایر دولت‌های ساحلی صورت گرفته است و انتظار بیشتری از دولتی که به‌طور معقول و منصفانه از آبراه بین‌المللی بهره‌برداری کرده نمی‌رود. به همین خاطر است که برخی، اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه را در اولویت ارزیابی می‌کنند.<sup>۲</sup> آنچه از یک دولت ساحلی انتظار می‌رود این است که در صورت ایراد آسیب مهم، صرفاً به دولت ساحلی زیان‌دیده غرامت بپردازد.<sup>۳</sup> زیرا کنوانسیون مقرر کرده که در هر مورد به هر دلیلی آسیبی مهم به دیگر دولت ساحلی وارد آید، دولتی که مسبب چنین آسیبی بوده باید تمامی اقدامات مقتضی برای برطرف نمودن یا کاهش آثار چنین آسیبی را بکار گیرند. بر اساس همین نظر تا زمانی که روند بهره‌برداری دولت‌های ساحلی، معقول و منصفانه باشد لازم نیست روند بهره‌برداری خود را متوقف نمایند. آنچه لازم است انجام دهند این است که آثار آسیب وارده را با بکارگیری تمامی اقدامات مقتضی کاهش دهند و در صورتی که همچنان ایراد آسیب و ضرر ادامه دارد در مورد پرداخت غرامت، به مذاکره بپردازند.

1. Report of the International Law Commission on the Work of its Forty- Sixth Session (2 May-22 July 1994), Extract from the Yearbook of the International Law Commission, Vol. 11(2), (1994), at 103.

2. Fisseha Yimer, "An Assessment of the Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Waterways", *Ethioscope*, A Periodic Magazine Published by the Press, Information and Documentation Directorate of the Ministry of Foreign Affairs, Vol. 3, No.2, (1997), at 18.

3. Ibid.

شماره‌ای از دولت‌های بالادست مثل اتیوپی و ترکیه در مورد پذیرش کنوانسیون ۱۹۹۷، موضع خود را روشن کردند. اتیوپی اعلام کرد که ماده ۷ کنوانسیون یکی از دلایل امتناع این دولت از پذیرش کنوانسیون مذکور بوده است. در حالیکه ترکیه ادعا کرد کنوانسیون باید به اولویت اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه نسبت به اصل منع ایراد آسیب مهم تصریح می‌کرده است.<sup>۱</sup> باور برخی پژوهشگران<sup>۲</sup> این است که کنوانسیون در مجموع اصل منع ایراد آسیب مهم را در اولویت دوم نسبت به اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه قرار داده است.<sup>۳</sup> ایشان بر این باورند که بررسی دقیق مواد ۵، ۶ و ۷ کنوانسیون، این نتیجه را به همراه دارد که اصل منع ایراد آسیب مهم، تابع اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه قرار گرفته است.<sup>۴</sup> از این رو می‌توان گفت که اصل بهره‌برداری منصفانه و معقول همانند قواعد هلسینکی در مورد کنوانسیون ۱۹۹۷ هم بعنوان اصلی بنیادین و راهنما تلقی می‌شود. پروفیسور مک کافری تاکید نموده یک دولت پایین دست که در توسعه منابع آبی خود تقدم داشته، نمی‌تواند از توسعه موخر دولت‌های بالادست، با این استدلال که باعث ایراد آسیب به آن می‌شود جلوگیری کند. طبق اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه، این موضوع که دولت پایین دست زودتر اقدام به بهره‌برداری نموده و از این رو تحت تاثیر بهره‌برداری‌های جدید دولت‌های بالادست قرار خواهد گرفت، صرفاً یکی از عواملی خواهد بود که در بهره‌برداری معقول و منصفانه باید مدنظر قرار گیرد. حق دولت‌های ساحلی که دیرتر اقدام به بهره‌برداری از منابع آن کرده‌اند همچنان معتبر تلقی خواهد شد،

1. Ibid.

2. C. Bourne, "The Primacy of the Principle of Equitable Utilization in the 1997 Watercourses Convention", *Canadian Yearbook of International Law*, 35, (1997), L. Caflisch, "Regulation of the Uses of International Watercourses", In: S. Salman & L. Boisson de Chazournes (Eds) *International Watercourses—Enhancing Cooperation and Managing Conflict*, World Bank Technical Paper No. 414, (1998), at 15, R. Paisley, "Adversaries into Partners: International Water Law and the Equitable Sharing of Downstream Benefits", *MelbJIntLaw* 13, 3(2), (2002), McCaffrey, op.cit., (2007), and See: Salman M.A. Salman, "Downstream Riparians Can Also Harm Upstream Riparians: The Concept of Foreclosure of Future Uses", *Water International*, Vol. 35, No. 4, (2010), Rutledge Taylor & Francis Group, at 355.

3. Stephen C. McCaffrey, "An Assessment of the Work of the International Law Commission", *Natural Resources Journal*, Vol. 36, (1996), at 312.

4. Salman M.A. Salman, "The United Nations Watercourses Convention Ten Years Later: Why Has its Entry into Force Proven Difficult?", *International Water Resources Association Water International*, Vol. 32, No. 1, (2007), at 6.



غیر از مواردی که مطابق اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه از آبراه به نحو دیگری مقرر شده باشد.<sup>۱</sup>

مک کافری در گزارش دوم خود در دوران تدوین کنوانسیون ۱۹۹۷ توصیه کرد که مفاد ماده مربوط به اصل منع ایراد آسیب مهم باید به نحوی تدوین شود که با اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه مطابقت داشته باشد و بجای عدم ایراد آسیب واقعی<sup>۲</sup> باید بر عدم ایراد آسیب و خسارت حقوقی<sup>۳</sup> (ناشی از استفاده غیر معقول و غیر منصفانه) تاکید شود. همانطور که گفته شد در ماده ۷(۲) از کنوانسیون آبراه‌های بین‌المللی بیان شده که وقتی به هر دلیلی آسیب مهمی به دولت ساحلی وارد شد؛ دولتی که مسبب ایراد آسیب شده، در صورت فقدان توافق در مورد این استفاده باید تمامی اقدامات مقتضی را با توجه به مقررات مواد ۵ و ۶، پس از مشورت با دولت زیان‌دیده به منظور از بین بردن یا کاهش آثار این صدمه و در صورت لزوم گفتگو در مورد پرداخت غرامت بکار گیرد. برخی بر این امر تاکید دارند که تفسیر ارائه شده از کنوانسیون ۱۹۹۷ به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد آستانه تعهدات دولت را اتخاذ تمامی اقدامات مقتضی بمنظور جلوگیری از ایراد چنین آسیب‌هایی دانسته است.<sup>۴</sup> ضرورت اتخاذ اقدامات مقتضی نیز بطور کلی انعکاس‌دهنده تعهد به تلاش متعارفی است که بر عهده دولت‌های ساحلی قرار گرفته است.<sup>۵</sup>

با این حال تفاسیر و پژوهش‌های دیگر درباره کنوانسیون و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل آب این نظر را تقویت می‌کنند که رقابتی بین اصول منع ایراد آسیب مهم و بهره‌برداری معقول و منصفانه وجود ندارد.<sup>۶</sup> اصول مندرج در مواد ۵ و ۷ کنوانسیون،

1. S. C. McCaffrey, "The Law of International Watercourses: Some Recent Developments and Unanswered Questions", *Denver Journal of International Law and Policy*, Vol. 17:3, (1989), at 509.

2. Factual Harm.

3. Legal Injury.

4. Salman M.A. Salman, op. cit. 2007.

5. S. McCaffrey, op.cit., at 509.

6. A. Tanzi, "The Inter-Relationship between No Harm, Equitable and Reasonable Utilization and Cooperation under International Water Law", *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*, Vol. 20, (2020), at 620, A. Tanzi, *The Consolidation of International Water Law: A Comparative Analysis of the UN and UNECE Water Conventions* (Napoli: Editoriale Scientifica, 2017) at 58.

مکمل یکدیگر می‌باشند.<sup>۱</sup> همانطور که این دو اصل به طور گسترده‌ای در حقوق بین‌الملل عرفی مورد تایید قرار گرفته است، تصور اینکه این دو اصل در یک موضوع واحد با یکدیگر رقابت داشته باشند دشوار خواهد بود چه رسد به اینکه بحث تعارض این دو با هم مطرح گردد. بعبارت دیگر نباید هیچ رقابتی بین دو اصل مورد نظر وجود داشته باشد. این منطبق توسط اصل هماهنگ‌سازی کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در رابطه با موضوع کثرت حقوق بین‌الملل تایید می‌شود.<sup>۲</sup> طبق این اصل، وقتی چند هنجار در یک مسئله واحد تأثیر می‌گذارند باید به گونه‌ای تفسیر شوند تا باعث شکل‌گیری مجموعه‌ای واحد از تعهدات سازگار شود.<sup>۳</sup> در واقع باید یک رابطه حقوقی هماهنگ بین این دو اصل وجود داشته باشد که منجر به ایجاد مجموعه تعهداتی می‌شود که در اصل اشتراک منافع تجلی می‌یابد که در رای دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در پرونده رودخانه ادر مشهود است.<sup>۴</sup>

در جریان مذاکرات مربوط به تدوین مواد ۵، ۶ و ۷ به طور موثر هدف این بود که برای رسیدن به یک راه حل، همه دولت‌های ساحلی بطور معقول و منصفانه از آبراه و مزایای ناشی از آن استفاده کنند. احتمال اینکه چنین راه‌حلی شامل پرداخت غرامت برای رسیدن به یک تعادل منصفانه میان منافع دولت‌های ذی‌ربط باشد وجود دارد. طبق ماده ۷ کنوانسیون، لزوماً هرگونه بهره‌برداری که سبب ایراد آسیب به سایر دولت‌های ساحلی گردد ممنوع نیست، مشروط بر اینکه "کلیه اقدامات مقتضی" انجام شده باشد تا از بروز آن جلوگیری کند. برعکس، بهره‌برداری که بدون ایجاد تعادل مناسب بین عناصر بهره‌برداری معقول و منصفانه، آسیب مهم و قابل توجهی ایجاد می‌کند؛ نقض تعهد بکار بردن اقدامات مقتضی برای اهداف پیشگیرانه از ایراد آسیب است. به همین دلیل چنین

1. Tanzi, Ibid. (2020)

و نیز ر.ک: شولی، وطن‌فدا و آوریده، همان، ص ۱۳۶.

2. ILC, Conclusions of the Work of the Study Group on the Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion of International Law, Yearbook of the International Law Commission, Vol. II (2), (2006), at 177-184.

3. Ibid., at 178.

ر.ک: آرامش شهبازی، نظام حقوق بین‌الملل، وحدت در عین کثرت (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۹).

۴. ر.ک به بخش نخست همین مقاله.

رفتار سهل انگارانه‌ای معیارهای بهره‌برداری معقول و منصفانه از آبراه‌های فرامرزی را نقض می‌کند.

در مجموع از دیدگاه کنوانسیون ۱۹۹۷ بنظر می‌رسد منع ایراد آسیب مهم بعنوان عاملی برای تعیین ویژگی منصفانه یک بهره‌برداری است. البته این بدان معنا نیست که اصل منع ایراد آسیب مهم را تابع اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه قرار دهیم بلکه به منزله تأکیدی بر این نکته است که هر دو اصل، لازم و ملزوم یکدیگر هستند.<sup>۱</sup> با دقت در مفاد کنوانسیون ۱۹۹۷ که اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه و عوامل ارزیابی آن را بیان می‌کند (مواد ۵، ۶ و ۱۰ کنوانسیون ۱۹۷۷)، در می‌یابیم که هیچ یک از اصول بهره‌برداری معقول و منصفانه و منع ایراد آسیب مهم، نسبت به دیگری اولویت ندارند. درج اصل منع ایراد آسیب مهم در ماده جداگانه فقط به منزله اولویت نسبی آن نسبت به سایر عوامل است. بعبارت دیگر بهره‌برداری که منجر به آسیب مهمی شود، غیرمعقول و غیرمنصفانه است.<sup>۲</sup>

این دو اصل با اصل همکاری مشترک دولت‌های ساحلی در ارتباط هستند. رابطه میان این سه اصل، ریشه در اصل اشتراک منافع که پیشتر ذکر شد دارد. این اصل که از وضعیت حقوقی آبراه‌های بین‌المللی بعنوان یک منبع طبیعی مشترک حاصل می‌شود، منطق رابطه بین منع آسیب و بهره‌برداری عادلانه را فراهم می‌کند: «هر دولت ساحلی حق دارد که یک آبراه بین‌المللی را به عنوان یک کل در نظر گرفته و منافع خود را در تعادل با منافع سایر دولت‌های ساحلی بسنجد و هیچ دولتی نمی‌تواند ادعای بهره‌برداری از آب را به گونه‌ای که باعث ایراد آسیب و ضرر مهم به منافع دولت دیگری شود نماید یا مخالف بهره‌برداری از آن توسط دولت دیگر شود مگر اینکه این بهره‌برداری موجب ایراد آسیب به خودش شود».<sup>۳</sup>

به منظور ایجاد هماهنگی برای اجرایی شدن دو اصل موصوف، همکاری بین دولت‌های ساحلی نیز ضروری است. به این دلیل که بهترین ارزیابی ممکن از اقدامات پیشگیرانه مناسب در هر مورد - و همچنین معقول و منصفانه بودن یک استفاده معین - مستلزم همکاری و هماهنگی میان تمامی دولت‌های ساحلی است که به طور بالقوه متاثر

1. Tanzi, Ibid., (2020), at 623.

2. Ibid.

3. J. L. Brierly, The Law of Nations (Oxford: Clarendon Press, 1955) at 204.

از یک بهره‌برداری خاص می‌باشند. همانطور که دیوان داوری در قضیه دریاچه لانو تاکید نمود: «دولتی که مایل به انجام طرح یا بهره‌برداری است که بر روی یک آبراه بین‌المللی تأثیرگذار خواهد بود، خود نمی‌تواند در مورد اینکه آیا منافع دولت دیگری متأثر از آن خواهد بود یا خیر تصمیم بگیرد. بلکه با دولت‌های دیگر ساحلی نیز باید به مذاکره و تبادل اطلاعات بپردازد»<sup>۱</sup>. از این نظر و همچنین با تاکید دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارخانه خمیر کاغذ، می‌توان گفت که اصل ارزیابی آثار زیست‌محیطی فرامرزی یک فعالیت معین و به اشتراک گذاری آن با دولت‌های همجوار آبراه که احتمالاً تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، در زمره قواعد حقوق بین‌الملل عرفی است.<sup>۲</sup>

در نتیجه توازن بین دو اصل بنیادین بهره‌برداری معقول و منصفانه و منع ایراد آسیب مهم، اصل اشتراک منافع را تقویت می‌کند و وضعیت حقوقی آبراه‌های بین‌المللی را بعنوان یک منبع طبیعی مشترک منعکس می‌کند.<sup>۳</sup> بر این اساس، تحقق این توازن منوط به توافق دولت‌های ذی‌ربط است. زیرا آنها منافع مشترکی در توسعه بهینه و محافظت از آبراه فرامرزی مورد بحث دارند. بنابراین، اصل همکاری نقش مهمی در کاربرد مشترک هر دو اصل دارد. هنگامی که همکاری میان دولت‌های ساحلی موفقیت‌آمیز باشد، حقوق بین‌الملل آب می‌تواند فرآیندهایی برای تقویت شناسایی منافع مشترک و دخالت همه بازیگران ذی‌ربط را فراهم آورد.<sup>۴</sup>

هنگامی که مسئولیت بین‌المللی برای یک دولت و یا سازمان بین‌المللی محرز گردد، این دولت و یا سازمان بین‌المللی مکلف به جبران خسارات وارده است. پرداخت غرامت بطور کلی معمول‌ترین روش جبران خسارت به شمار می‌رود. با این حال طبق ماده ۷

1. Lake Lanoux Arbitration (France v Spain), 1957, United Nations Reports in International Arbitral Awards, 12, 281-317.

2. Pulp Mills on the River Uruguay Case, para. 204.

3. M. Arcari, & A. Tanzi, The United Nations Convention on the Law of International Watercourses: A Framework for Sharing (London: Kluwer Law International, 2001) at 29-30.

4. J. Brunnee, & S. J. Toope, "Environmental Security and Freshwater Resources: A Case for International Ecosystem Law", Yearbook of International Environmental Law, 5(1), (1994), at 59.

کنوانسیون ۱۹۹۷، جبران خسارت و در صورت اقتضا اقدام به مذاکره در مورد پرداخت غرامت با هدف متعادل‌سازی منافع همه دولت‌های ساحلی است.<sup>۱</sup>

بند ۲ ماده ۷ کنوانسیون که پرداخت غرامت را در درجه اول منوط به ایراد آسیب نموده، با توجه به اشاره صریح آن به اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه نشان می‌دهد که هنگامی که یک فعالیت برنامه‌ریزی شده منجر به ورود آسیب مهم شود، پرداخت غرامت اجتناب‌ناپذیر است. جبران خسارت بر مبنای مشورت و مذاکره در مورد «تأثیرات احتمالی اقدامات برنامه‌ریزی شده بر شرایط یک آبراه بین‌المللی» (ماده ۱۱) یا در رابطه با اجرای اقدامات برنامه‌ریزی شده مغایر با مفاد ماده ۵ یا ۷ خواهد بود (ماده ۱۷).

هنگام بررسی شرایط جبران خسارت، دولت‌هایی که تحت تأثیر آسیب مهم و فرامرزی قرار می‌گیرند نیز ممکن است در هزینه‌های پیشگیری، برطرف نمودن یا کاهش آسیب سهمین شوند. جبران خسارت بعنوان یکی از عواملی است که در حفظ تعادل منافع بین دولت‌های ساحلی نقش آفرین است و مناسبات متقابل بین اصول منع ایراد آسیب مهم و بهره‌برداری معقول و منصفانه را افزایش می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

اصل "بهره‌برداری معقول و منصفانه از منابع آبی مشترک" به مثابه رکن اصلی نظام حقوق بین‌الملل آب از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و در مقام قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است. به موجب این اصل؛ هر دولتی که در حریم رودخانه واقع است، مشمول سهمی معقول و منصفانه در استفاده سودمند از منابع آبی مشترک است. استفاده منصفانه ناظر به تخصیص و توزیع منبع آبی مشترک و منافع آن بین دولت‌های ساحلی است، استفاده معقول اما به چگونگی استفاده از منبع آبی مشترک اشاره دارد و در واقع بیانگر این است که برای چه منظور از آب استفاده می‌شود و چه مقداری برای استفاده در شرایطی منصفانه، منطقی است. برخی ابهامات و ویژگی انعطاف‌پذیر اصل فوق افزون بر نوپایی حقوق بین‌الملل آب و نرم بودن جنس برخی اصول و تعهدات آن، ریشه در مفهوم پیچیده انصاف دارد. به منظور شناخت اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه و تحقق آن در مدیریت منابع آبی مشترک نخست باید به تصویر روشن و کاربردی از انصاف دست

1. ILC, Yearbook of the International Law Commission, Vol. 2(2) (New York: United Nations, 1994b) at 117.

یافت. در مجموع واژگان "انصاف" و "منصفانه" به منظور حصول اطمینان از "برابری حقوقی" در دستیابی به سطوح مشابه توسعه و شکوفایی برای همه مردم در کشورهای در حال توسعه همچون مردم کشورهای توسعه یافته بکار گرفته می‌شود. مبنای اصلی نیز این است که پایداری محیط زیست برای تأمین حقوق نسل‌های آینده و همچنین نسل حاضر نیاز به توجه اساسی دارد. بنابراین انصاف را می‌توان ابزاری برای رفع شکاف بین دو گروه از ملت‌ها به منظور دستیابی به عدالت و توسعه پایدار دانست.

اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه در اسناد حقوق بین‌الملل آب، جایگاهی ممتاز دارد و بدین وسیله می‌تواند چارچوب حقوقی لازم را برای مدیریت منابع آبی مشترک فراهم آورد. اصل مذکور مدعی تعیین سهم مربوط به دولت‌های ساحلی نیست بلکه بر تعیین سهم دولت‌های ذی‌ربط بر اساس عوامل موثر و به صورت موردی تأکید دارد. این رویکرد انعطاف‌پذیر حکایتگر توانمندی اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه است زیرا به دولت‌های ساحلی اجازه می‌دهد تا با مجموعه‌ای از منافع متنوع، خود را وفق دهند. در این میان نوع رابطه و تعامل این اصل با دیگر اصول حقوق بین‌الملل آب از اهمیت بسزایی برخوردار است. به طور خاص رابطه بین اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه و اصل منع ایراد آسیب مهم موضوعی بحث‌برانگیز به شمار می‌آید. گروهی از اندیشمندان می‌کوشند یکی از دو اصل فوق را بر دیگری برتری دهند و گروهی دیگر نیز این دو اصل را مکمل یکدیگر تلقی می‌کنند. نظر گروه دوم از جامعیت و مقبولیت بیشتری برخوردار است زیرا به نظر می‌رسد از دیدگاه کنوانسیون ۱۹۹۷، منع ایراد آسیب مهم بعنوان عاملی برای تعیین ویژگی منصفانه یک بهره‌برداری است. بعبارت دیگر تأکید بر این نکته است که هر دو اصل، لازم و ملزوم یکدیگر هستند. با دقت در مفاد کنوانسیون ۱۹۹۷ در می‌یابیم که هیچ‌یک از این اصول نسبت به دیگری اولویت ندارند و بهره‌برداری که منجر به آسیب مهمی شود، غیر معقول و غیر منصفانه است.

اصل بهره‌برداری معقول و منصفانه از طریق مراجع بین‌المللی قضایی و داوری و تابعان حقوق بین‌الملل مکرراً مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است. به منظور توسعه و تکامل اصول و قواعد حقوق بین‌الملل آب، باید فرایندی به منظور ترغیب همکاری تابعان حقوق بین‌الملل و تسهیل رعایت اصول و قواعد فوق شکل گیرد. مشارکت فعال بازیگران غیردولتی، در توسعه حقوق بین‌الملل آب و بویژه محتوای هنجاری اصل بهره‌برداری

معقول و منصفانه، نقشی موثر بر آینده مدیریت و استفاده از منابع آبی مشترک خواهد داشت.

## ORCID

Seyed Ghasem Zamani



<https://orcid.org/0000-0002-4461-4616>

Pouya Berelian



<https://orcid.org/0000-0003-1143-4587>

### منابع

#### کتاب‌ها

- بابایی، مجتبی و حسن بابایی، رژیم حقوقی بین‌المللی حاکم بر بهره‌برداری از سفره‌های زیر زمینی آب مشترک میان دولت‌ها، با تاکید بر طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۸ (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۴).
- ضیائی بیگدلی، محمد رضا، حقوق بین‌الملل عمومی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳).
- کاپونترا، دانتِه آگوستو، اصول حقوق و مدیریت آب، ترجمه و تحقیق محسن عبدالهی و اصلی عباسی (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۲).
- محمدعلیپور، فریده، حقوق استفاده‌های غیرکشتریانی از آبراه‌های بین‌المللی؛ مطالعه موردی رودخانه‌های مرزی و مشترک ایران (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۶).

#### مقاله‌ها

- آوریده، فریده جلال عطاری و محسن عبداللهی، «مطالعه تطبیقی اصول و قواعد بین‌المللی حاکم بر تقسیم آب در رودخانه‌های فرامرزی»، فصلنامه علوم محیطی، شماره ۲، (۱۳۹۵).
- اکبری، نرگس و علی مشهدی، «تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست‌محیطی در ایران (ریزگردها)»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۱۶، (۱۳۹۸).
- شولی، علیرضا، جبار وطن فدا، فریبا آوریده، «بررسی نظریه‌های حقوقی و مقررات تقسیم آب در قوانین و معاهدات بین‌المللی آب‌های مرزی»، فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی، شماره ۲، (۱۳۹۴).
- محبی، محسن، اعظم امینی، «اصل انصاف و ظرفیت قاعده‌سازی آن در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۱، (۱۳۹۳).

- مشهدی، علی، نرگس اکبری، «تعهدات دولت‌های حوضچه هریرود در احداث تاسیسات آبی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۶۳، (۱۳۹۹).
- نواری، علی، «بهره‌برداری از سد ایلسو در ترکیه و موازین حقوق بین‌الملل آب»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۶۳، (۱۳۹۸).

## References

### Books

- Arcari, M. & A. Tanzi, *The United Nations Convention on the Law of International Watercourses: A Framework for Sharing* (London: Kluwer Law International, 2001).
- Babaei, Mojtabi and Hassan Babaei, *Legal Regime of Transboundary Aquifers Utilization Based on International Law Commission Draft 2008* (Tehran: Scientific Assembly and Cultural Majd, 2014). [In Persian]
- Berber, F. J., *Rivers in International Law* (London: Stevens, 1959).
- Boisson de Chazournes, L., C. Leb, and M. Tignino (eds.), *International Law and Freshwater: The Multiple Challenges* (Cheltenham: Edward Elgar, 2013).
- Brierly, J. L., *The Law of Nations* (Oxford: Clarendon Press, 1955).
- A. Utton & L. Teclaff (Eds.), *Transboundary Resources Law* (London: Westview Press, 1987).
- Caponera, Dante Augusto, *Principles of water Law and Administration National and International*, translated and researched by Mohsen Abdollahi and Asli Abbasi (Tehran: Shahr-e-Danesh Institute of Law Research & Study, 2012). [In Persian]
- Kaya, I., *Equitable Utilization: The Law of the NonNavigational Uses of International Watercourses* (Aldershot: Ashgate, 2003).
- McCaffrey, Stephen, *The Law of International Watercourses* (Oxford University Press, 2nd Edition, 2007).



- McIntyre, O., *Environmental Protection of International Watercourses under International Law* (Aldershot: Ashgate, 2007).
- Mohammad-Alipour, Farideh, *The Law of Non-navigational Uses of International Watercourses* (Tehran: Mizan Legal Foundation, 2016). [In Persian]
- Salman S. & L. Boisson de Chazournes (Eds) *International Watercourses: Enhancing Cooperation and Managing Conflict: Proceedings of a World Bank Seminar*, (Washington, D.C.: The World Bank, 1998).
- Tanzi, A., Owen McIntyre, *The UNECE Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourse and International Lakes* (Brill Nijhoff: Leyden/Boston, 2015).
- Tanzi, A., *The Consolidation of International Water Law: A Comparative Analysis of the UN and UNECE Water Conventions* (Napoli: Editoriale Scientifica, 2017).
- Wouters P., *International Water Law Selected Writings of Professor Charles B. Bourne, (International and National Water Law and Policy Series)* (New York: Springer, 1998).
- Ziai Bigdeli, Mohammad Reza, *Public International Law* (Tehran: Ganjedanesh Publications, 2014). [In Persian]

### Articles

- Akbari, Narges and Ali Mashhadi, “Environmental Threats and Obligations of the Government of Turkey in Implementing the GAP Project in Relation to Environmental Impacts in Iran (Dust Storms)”, *International Law Review*, Vol. 61, (2018). [In Persian]
- Anton, Donald K., “Case Concerning Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay) (Judgment) 2010”, *Aust. Int’l L.J.*, Vol. 17, (2010).

- Avarideh, Farideh Jalal Attari and Mohsen Abdullahi, “Comparative Study of International Law Related to Water Sharing in Trans-Boundary Rivers”, *Environmental Sciences Quarterly*, No. 2, (2015). [In Persian]
- Belinskij, Antti, “Water-Energy-Food Nexus Within the Framework of International Water Law”, *Journal Water*, 7(10), (2015).
- Bourne, C. B., “The Primacy of the Principle of Equitable Utilization in the 1997 Watercourses Convention”, *Canadian Yearbook of International Law*, 35, (1997).
- Brunnée, J. & S. J. Toope, “Environmental Security and Freshwater Resources: A Case for International Ecosystem Law”, *Yearbook of International Environmental Law*, 5(1), (1994).
- Dellapenna, Joseph, “The Customary International Law of Transboundary Fresh Waters”, *International Journal of Global Environmental Issues* 1(3-4), (2001).
- Goldie, L. F. E., “Equity and the International Management of Transboundary Resources” in A. Utton & L. Teclaff (Eds.), *Transboundary Resources Law*, (London: Westview Press, 1987).
- Helal, Mohammed S., “Sharing Blue Gold: The 1997 UN Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses Ten Years On”, *Colo. J. Int'l Environmental, Law & Pol'y*, Vol. 18: 2, (2007).
- Lowe, V., “The Role of Equity in International Law”, *Australian Yearbook of International Law*, 12, 54, (1992).
- Mashhadi, Ali, Narges Akbari, “The International Obligation of Harirud Riparian States in Marine Construction”, *International Law Review*, No. 63, (2019). [In Persian]
- McCaffrey, S. C. “An Assessment of the Work of the International Law Commission”, *Natural Resources Journal*, Vol. 36, (1996).

- McCaffrey, S. C. “The Law of International Watercourses: Some Recent Developments and Unanswered Questions”, *Denver Journal of International Law and Policy*, Vol. 17:3, (1989).
- McIntyre, O., “Utilization of Shared International Freshwater Resources – the Meaning and Role of “Equity” in International Water Law”, *Water International*, Vol. 38, No. 2, (2013).
- McIntyre, O., “The World Court’s Ongoing Contribution to International Water Law: The Pulp Mills Case between Argentina and Uruguay”, 4(2), *WA* 124, (2011).
- Mohebi, Mohsen, Azam Amini, “The Principle of Equity and Its Lawmaking Capacity in the Jurisprudence of the International Court of Justice”, *International Law Review*, No. 51, (2013). [In Persian]
- Navari, Ali, “Utilization of Ilisu Dam in Turkey and the Rules of International Water Law”, *Public Law Research Quarterly*, No. 63, (2018). [In Persian]
- Nelson, L. D. M., “The Role of Equity in the Delimitation of Maritime Boundaries”, *American Journal of International Law*, 84, 837, (1990).
- Paisley, R, “Adversaries into Partners: International Water Law and the Equitable Sharing of Downstream Benefits”, *MelbJIntLaw*, 13, 3(2), (2002),
- Salman, S. M.A. “Downstream Riparians Can also Harm Upstream Riparians: the Concept of Foreclosure of Future Uses”, *Water International*, Vol. 35, No. 4, (2010).
- Salman, S. M.A. “The United Nations Watercourses Convention Ten Years Later: Why Has its Entry into Force Proven Difficult?”, *International Water Resources Association Water International*, Vol. 32, No. 1, (2007).
- Shooli, Alireza, Jabbar WatanFada, Fariba Avarideh, “Investigating the Legal Theories and Rules of Water Distribution in the Laws and International Treaties of Territorial Waters”, *Journal of Border Science and Technology*, No. 2, (2014). [In Persian]

- Tanzi, A. "The Inter-Relationship Between No Harm, Equitable and Reasonable Utilization and Cooperation under International Water Law", *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*, Volume 20, (2020).
- Wouters P. & A.D. Tarlock, "The Third Wave of Normativity in Global Water Law: The Duty to Cooperate in the Peaceful Management of the World's Water Resources: an Emerging Obligation Erga Omnes?", *Journal of Water Law*, 23(2), (2013).
- Wouters, P. K, "An Assessment of Recent Developments in International Watercourse Law through the Prism of the Substantive Rules Governing Use Allocation", *International Watercourse Law*, Vol. 36, (1996).

